

## گرامی باد بیستونهم خرداد، روز کارگران ایران

هممیهنان، کارگران بیدار دل،

سی‌وهشت سال پیش در روز بیستونهم خردادماه یکهزاروسیصدوسی، ملت ایران، پس از یک قرن و نیم شکست و پراکندگی، گام بزرگی در راستای رهایی از سلطه‌ی بیگانه برداشت و، با خلع ید از استعمار، گردانندگی صنعت نفت را در سراسر کشور بر عهده گرفت.

در آن روز، کارگران صنعت نفت جنوب، که به رهبری مصدق بزرگ به خود آمده بودند، درفش ملی ایران را بر فراز دکل‌های نفت و ساختمان‌های پالایشگاه آبادان برافراشتند و به افتخاری جاودانی رسیدند.

بی‌شک، در خلع‌ید از استعمار بیگانه، همه‌ی گروه‌های اجتماعی سهم داشتند؛ ولی چون در آن پیروزی ملی برجسته‌ترین نقش را اردوی کارگران بیدار دل ایفا کردند، به حق این روز پیراج «روز کارگران ایران» نامیده شد. این رویداد تاریخی نه تنها پایان یافتن سالیان دراز بردگی اقتصادی و ره‌آوردهای شوم سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی آن را نوید می‌داد؛ بلکه تیری شکافنده بر قلب اهرمن ناامیدی و خودباختگی در ایران‌زمین بود. چیرگی بر دشمن بیگانه بر روند زندگی همه‌ی گروه‌های اجتماعی شورمندی تازه‌ای بخشید و به‌ویژه از کارگر به‌خواری انداخته‌شده‌ی ایرانی، انسانی به‌خویش‌تنبازگشته، آزاده و سرفراز ساخت که تن به هیچ بهره‌کشی بیدادگرانه نمی‌داد و همواره در پیکارهای مردمی پیشگام بود.

پیشگامی اردوی کارگران در انقلاب بیست‌ودوم بهمن‌ماه یکهزاروسیصدوپنجاه‌وهفت، که عدالت همگانی را در ردیف استقلال ملی و آزادی‌های فردی و اجتماعی هدف قرار داده بود، بار دیگر به‌خوبی نمایان گردید. چنین بود که انتظار می‌رفت با پیروزی انقلاب، استثمار نیز به همراه استعمار و استبداد از سراسر ایران پیاخته ریشه‌کن گردد؛ ولی خودجلوانداختگان به‌زمانمداری رسیده در همه‌ی زمینه‌های زندگی ملی از دگرگونی‌های بنیادین پیشگیری کردند.

گرچه در آغازهای پیروزی اجرای برنامه‌هایی چون برقراری نوعی بیمه‌ی بیکاری، بالا بردن حداقل دستمزد، افزایش هنگام‌های تعطیل، جلوگیری از اخراج‌های بی‌رویه، و پویاسازی سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری از سوی نخستین وزیر کار انقلاب نوید زندگی بهتری را به این سازنده‌ترین قشر اجتماعی می‌داد؛ ولی خیلی زود واپس‌گرایان برکرسی قدرت‌نشسته، از لیبرال‌منش گرفته تا رادیکال‌مآب، به کارگرسنیزی پرداختند.

روند اقتصادی پیش‌گرفته‌شده چنان بود که پیوسته از شمار دست‌های توانای تولید می‌کاست و بر خیل پادوهای سوداگر می‌افزود. با درهم‌شکستن امنیت شغلی، از کارگران، که باید چرخ‌های اصلی سازندگی را به گردش درآوردند، ابزارهایی برای کسب درآمدی ناچیز ساخته شد. کاهش فرصت‌های اشتغال نیروی انسانی روبه‌افزایش کشور را، که باید به کانون‌های کشاورزی و صنعتی گسیل گردد، در چنبر بیکاری آشکار و پنهان گرفتار کرد. از همه پراهمیت‌تر، در جو اختناق‌آمیز پدیدآمده، همه‌ی سندیکاها و اتحادیه‌ها برچیده گردید و شوراهای سرهم‌بندی‌شده، که جز تنگ‌تر کردن عرصه‌ی تفکر و عمل انقلابی هنری نداشتند، جای آن‌ها را گرفتند و کارگران از داشتن سازمان‌های بسامان برای استیفای حقوق خود بی‌بهره ماندند.

بی گمان، از نظامی که در دور بسته‌ی جهل و خشونت فروافتاده باشد، جز این نمی‌توان توقعی داشت؛ و باید از همان آغاز، وقتی نخستین شراره‌های ستم سربرکشید، همه با هم چون سدی استوار در برابر آن می‌ایستادیم، ولی چنین نکردیم.

درنگ بیشتر روا نیست و باید، برای رهایی ایران و انقلاب از ورطه‌ای هولناک، به چاره‌گری پرداخت تا مبدا تاریخ فردا از نسل امروز، که حلقه‌ای از زنجیره‌ی ملت است، به‌زشتی یاد کند.

اکنون، هر دگرگونی بنیادین در رابطه‌های اقتصادی و اجتماعی مردم و پدید آوردن یک نظم دادگرانه در گرو زنده‌داشت «حاکمیت ملی» می‌باشد که آن هم جز با رسیدن به «همبستگی همگانی» امکان‌پذیر نمی‌باشد. بی‌شک، در راستای پدید آوردن «همبستگی همگانی»، نخست باید هر یک از گروه‌های اجتماعی سازمان صنفی ویژه‌ای که گنجایش دربرگرفتن آرمان‌های انقلابی را داشته باشد برای خود پدید آورد.

کارگران، ایران‌سازان پرتوان،

چنین است که حزب ما با کوله‌باری از آزمون‌های گران‌بهای تاریخی در «روز کارگران ایران» از یکایک شما می‌خواهد تا برای بازسازی سندیکاها و اتحادیه‌های خود به‌پاخیزید و باز هم پیشگام دیگر گروه‌های اجتماعی مردم گردید.

نیرومند باد سازمان‌های بنیادمند کارگری، درود به اردوی کارگران ایران.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران